

پرچم‌های رنگین‌کمانی نسل‌کشی را پنهان نمی‌کنند

تا پایان سال ۲۰۲۳، پرچم رنگین‌کمانی — نماد غرور و همبستگی کوئیر — روی پروفایل توییتر/X من بود، اما وقتی شروع به صحبت علنی در حمایت از غزه و مردم فلسطین کردم، این نماد علیه من به کار گرفته شد. به جای بحث منطقی و مبتنی بر واقعیت، پست‌های من حملات شخصی (ad-hominem) را جذب کردند که برای بی‌اعتبار کردن و ساکت کردن طراحی شده بودند. برخی با نگرانی پوشانده شده بودند: «می‌دونی با همجنس‌گراها تو غزه چیکار می‌کنی؟» دیگران صریح و بی‌رحمانه بودند، با ارجاع به میم‌هایی مثل «کوئیرها برای فلسطین مثل مرغ‌ها برای KFC» یا تکرار کلیشه خسته‌کننده‌ای که اگر آنجا بودم «از پشت بوم پرت می‌شدم». این تجربه‌ای بود که توسط بسیاری دیگر به اشتراک گذاشته و تأیید شد.

این روایت نه تنها ساده‌سازانه است؛ بلکه از نظر سیاسی دستکاری شده، تاریخی نادرست و از نظر واقعی نادرست است. ادعای اغلب تکرار شده مبنی بر اینکه افراد کوئیر در غزه با پرت شدن از پشت بوم اعدام می‌شوند، بر اساس هیچ مورد تأیید شده‌ای شامل فلسطینی‌ها یا مقامات حاکم در غزه نیست. در عوض، از ویدیوهای تبلیغاتی داعش سرچشمه می‌گیرد — نه از حماس، و قطعاً نه از جمعیت گسترده‌تر فلسطینی. هیچ مدرک معتبر وجود ندارد که اعدام‌های عمومی افراد کوئیر به روشی که این منتقدان پیشنهاد می‌کنند رخ داده باشد.

آنچه شاهد آن هستیم، یک مورد کلاسیک **پینک‌واشینگ** است: بهره‌برداری ابزاری از حقوق LGBTQ+ برای منحرف کردن یا نامشروع کردن مبارزه برای عدالت. این یک حيله گفتاری است که به افراد کوئیر می‌گوید باید انتخاب کنند — یا حمایت از حقوق کوئیر یا آزادی فلسطین، اما نه هر دو.

همجنس‌گرایی و اسلام: فراتر از روایت تسلیحاتی

بخش زیادی از حمله گفتاری به افراد کوئیر حامی فلسطین بر تعمیم‌های گسترده درباره اسلام و خصومت استثنایی ادعایی آن نسبت به افراد LGBTQ+ تکیه دارد. تلویح این است که هویت کوئیر و ایمان اسلامی ذاتاً ناسازگار هستند، و همبستگی با جمعیت اکثریت مسلمان برای افراد LGBTQ+ ساده‌لوحانه یا حتی خودپیرانگر است.

این چارچوب نه تنها اسلام‌هراسانه است؛ بلکه از نظر تاریخی و الهیاتی نیز بی‌پایه است. فقه اسلامی سنتی، مانند بسیاری از نظام‌های حقوقی مذهبی، اعمال همجنس‌گرایانه را منع می‌کند. قرآن به مردم **لوت** اشاره می‌کند، که اغلب به عنوان محکومیت رفتار جنسی مرد-مرد ذکر می‌شود. با این حال، این آیات بسیار مبهم‌تر از آنچه به تصویر کشیده می‌شوند. آنها بر **مهمان‌نوازی نکردن، اجبار و فساد** تمرکز دارند، نه عشق یا هویت جنسی توافقی. برخلاف لاویان ۲۰:۱۳ در کتاب مقدس عبری — «اگر مردی با مردی مانند زن درآمیزد، هر دو مرتکب عمل قبیح شده‌اند؛ حتماً اعدام شوند» — قرآن هیچ مجازاتی برای صمیمیت همجنس‌گرایانه تجویز نمی‌کند.

حدیث‌ها (سخنان منسوب به پیامبر محمد، صلی الله علیه و سلم)، که بخش زیادی از قانون اسلامی را تشکیل می‌دهند، شامل ارجاعات متنوع و اغلب مورد مناقشه به رفتار همجنس‌گرایانه هستند. مهم‌تر اینکه، در طول حیات پیامبر هیچ سابقه‌ای از مجازات کسی به دلیل همجنس‌گرا بودن وجود ندارد. آموزه‌های اخلاقی اسلامی به طور سنتی بر حریم خصوصی، احتیاط و توبه تأکید داشتند، نه نظارت یا شرم عمومی.

در واقع، تمدن اسلامی تاریخ غنی و پیچیده‌ای در مورد جنسیت و جنسیت دارد. شعر کلاسیک عربی پر از تصاویر همجنس‌گرایانه است. عرفان صوفی، با استعاره‌های عشق الهی، اغلب از مرزهای جنسیتی سفت و سخت فراتر می‌رود. پژوهشگرانی مانند اسکات سیراج الحق کوگل و آمینه ودود تفسیرهای پیشرو از داستان لوت ارائه داده‌اند، استدلال می‌کنند که خشونت جنسی اجباری را محکوم می‌کند، نه عشق همجنس‌گرایانه توافقی.

این تنوع تفسیرها زندگی می‌شود، نه فقط نظری. مسلمانان کوئیر وجود دارند، سازمان‌دهی می‌کنند، مقاومت می‌کنند و شکوفا می‌شوند. تسلیحاتی کردن اسلام برای بی‌اعتبار کردن افراد کوئیر حامی فلسطین نه تنها این صداها را پاک می‌کند؛ بلکه یک سنت ایمانی کامل را به ابزاری برای جنگ فرهنگی تقلیل می‌دهد.

ریشه‌های استعماری جرم‌انگاری: جدول زمانی همجنس‌گراستیزی و وارداتی

ایده اینکه همجنس‌گراستیزی نهادی ویژگی ذاتی جوامع عربی یا اسلامی است، زیر بررسی فرو می‌پاشد. سوابق تاریخی نشان می‌دهد که نظام‌های حقوقی اسلامی پیشامدرن همجنس‌گرایی را به همان شیوه اروپا جرم‌انگاری نکردند. در عوض، کدگذاری قوانین ضد LGBTQ+ در جهان عرب به استعمار اروپایی قابل ردیابی است، نه قرآن.

در طول قرن‌ها حکومت اسلامی — از امویان تا عثمانی‌ها — هیچ کد جزایی واحدی که صمیمیت همجنس‌گرایانه را ممنوع کند وجود نداشت. نگرش‌های اجتماعی می‌توانست محافظه‌کارانه باشد، و علمای دینی درباره اخلاق رفتارهای مختلف بحث می‌کردند، اما نظام‌های حقوقی این جوامع به ندرت پلیس کردن رفتار جنسی خصوصی را اولویت می‌دادند، به ویژه اگر نظم عمومی را تهدید نمی‌کرد. علاوه بر این، سنت‌های ادبی و هنری غنی جهان عرب-اسلامی — پر از شعر همجنس‌گرایانه، دوستی‌های صمیمی مردانه، و تصاویر میل همجنس‌گرایانه — فضایی فرهنگی را نشان می‌دهد که، هرچند پیچیده و گاهی متناقض، توسط آزار و اذیت حقوقی افراد کوئیر مانند اروپا شکل نگرفته بود.

در مقابل، در اروپای مسیحی، اعمال همجنس‌گرایانه به طور تهاجمی جرم‌انگاری شدند، اغلب تحت مجازات مرگ. نظام‌های حقوقی قرون وسطی و اوایل مدرن — از تفتیش عقاید تا قانون عرفی بریتانیا — مجازات‌های وحشتناکی برای «سدوم» تجویز می‌کردند، از جمله سوزاندن، آویختن، و مثله کردن. در برخی مناطق، مانند سرزمین‌های هابسبورگ در امتداد رود دانوب، سوابق تاریخی توصیف می‌کنند که مظنونان همجنس‌گرا به کشیدن کشتی‌ها به سمت بالادست محکوم می‌شدند به عنوان نوعی اعدام از طریق خستگی و قرار گرفتن در معرض. این مجازات‌ها حاشیه‌ای نبودند بلکه نهادی بودند، توسط کلیسا و دولت به طور یکسان تأیید شده بودند.

وقتی قدرت‌های اروپایی جهان عرب را استعمار کردند، این کدهای حقوقی را صادر کردند. فلسطین نمونه بارزی است:

دوره	وضعیت حقوقی همجنس‌گرایی در فلسطین
پیش از ۱۹۱۷	جرم‌انگاری نشده تحت قانون عثمانی
۱۹۲۹	قیمومیت بریتانیا بخش ۱۵۲ (ضد سدوم) را اعمال می‌کند
۱۹۵۱	غیرجرم‌انگاری در کرانه باختری تحت قانون جزایی اردن
۱۹۶۷-اکنون	غزه کد دوران بریتانیا را حفظ می‌کند؛ هیچ تعقیب شناخته‌شده‌ای از ۱۹۹۴ (HRW)

این قوس تاریخی حیاتی است: آزار حقوقی افراد کوئیر در فلسطین تحت حاکمیت بریتانیا آغاز شد، نه حکومت اسلامی. امروز، غزه از نظر فنی قانون دوران استعماری را حفظ می‌کند، اما در دهه‌های اخیر هیچ تعقیبی تحت آن ثبت نشده است.

در همین حال، دولت اسرائیل، که اغلب به عنوان پناهگاه کوئیر ستایش می‌شود، بیش از ۹۹٪ درخواست‌های پناهندگی فلسطینی‌های کوئیر را رد کرده است. این تضاد پوچی «برند اسرائیل» را آشکار می‌کند — روایتی که از حقوق LGBTQ+ برای پوشاندن اشغال و آپارتاید استفاده می‌کند.

درک این تاریخ مهم است. این روایت ساده‌ای را که شکاف تمدنی بین غرب دوستدار کوئیر و شرق همجنس‌گراستیز را فرض می‌کند، به چالش می‌کشد. همچنین عاملیت عرب‌ها و مسلمانان کوئیر را تأیید می‌کند که قربانیان فرهنگ خود نیستند، بلکه بازماندگان هم سرکوب داخلی و هم خشونت استعماری وارداتی هستند.

آلن تورینگ: آینه غربی

برای درک کامل بی‌رحمی و پوچی جرم‌انگاری وجود کوئیر، کافی است به یکی از غم‌انگیزترین و گویاترین داستان‌های قرن بیستم روی آوریم: آلن تورینگ. امروز، نام تورینگ به دلیل آزمون تورینگ، مفهوم بنیادی در هوش مصنوعی و پایه سیستم‌های CAPTCHA مدرن استفاده‌شده آنلاین، به طور گسترده شناخته شده است. اما میراث واقعی او بسیار عمیق‌تر است — او ریاضیدان و رمزشناس درخشان بود که ماشینی طراحی کرد که کد انیگمای آلمانی را شکست، سهمی قاطع در پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم.

کار تورینگ در بلتچلی پارک سال‌ها طبقه‌بندی شده بود، اما اکنون درک می‌شود که او جنگ را تا دو سال کوتاه کرد، و میلیون‌ها زندگی را نجات داد. در هر جامعه عادلانه‌ای، او به عنوان قهرمان ملی جشن گرفته می‌شد، در طول حیاتش مورد تقدیر قرار می‌گرفت، و با قدردانی و احترام به یاد آورده می‌شد. اما آلن تورینگ همجنس‌گرا بود. و در بریتانیای دهه ۱۹۵۰ این جرم بود. مانند بسیاری از مردان همجنس‌گرای دوران خود، تورینگ مجبور به زندگی دوگانه بود — یواشکی از خانه خارج شدن برای ملاقات با شرکایش در خفا.

وقتی تورینگ سرقت در خانه‌اش را گزارش کرد و به دخالت شریک اخیرش، آرنولد موری، مشکوک بود، در نهایت رابطه‌شان را در بازجویی پلیس فاش کرد. آنچه به عنوان تحقیق روتین درباره کالاهای دزدیده‌شده آغاز شد، به سرعت به تعقیب برای «بی‌حیایی فاحش» تبدیل شد — همان اتهامی که اسکار وایلد را نابود کرد. کارآگاه اصلی، که دید چگونه پرونده از نیت اولیه‌اش فراتر رفت، بعداً از تورینگ عذرخواهی کرد و تأسف خورد که همکاری او ماشین قضایی غیرقابل توقفی را به راه انداخت.

با وجود خدمات جنگی و نبوغ علمی‌اش، تورینگ محاکمه و محکوم شد. دادگاه به او انتخاب داد: زندان یا اخته شیمیایی. او دومی را انتخاب کرد، به اصطلاح «درمان» شامل استروژن مصنوعی برای سرکوب میل جنسی‌اش. عوارض جانبی وحشتناک بودند. تورینگ ژنیکوماستی (رشد سینه)، افسردگی و زوال ذهنی را تجربه کرد. ذهن پرجنب‌وجوشی که به نجات اروپا از فاشیسم کمک کرده بود، اکنون توسط بی‌رحمی مورد تأیید دولت فرسوده می‌شد. در سال ۱۹۵۴، در سن تنها ۴۱ سالگی، تورینگ با گاز گرفتن سیبی آغشته به سیانید خودکشی کرد.

دهه‌ها بعد، پس از خشم عمومی و تسویه حساب ملی کند، تورینگ به طور پس از مرگ عفو سلطنتی دریافت کرد. اما تاریخ را نمی‌توان برگرداند. مردی که همه چیز را به کشوری داد که با شرم و مجازات به او پاسخ داد، از دست رفت — نه به جنگ، بلکه به همان قوانینی که ادعا می‌کردند جامعه را حفاظت می‌کنند. داستان تورینگ نه تنها تراژدی است — محکومیت است. جرم‌انگاری زندگی‌های LGBTQ+ هرگز درباره حفاظت نبوده. همیشه درباره کنترل، ترس و پلیس کردن میل بوده است. و وقتی صداهای غربی امروز فرهنگ‌های دیگر را به دلیل همجنس‌گراستیزی محکوم می‌کنند، با حافظه انتخابی این کار را

می‌کنند. قوانینی که تورینگ را کشتند، در لندن متولد شدند، نه مکه، و مرگ او به عنوان سرزنش جدی نسبت به افسانه برتری اخلاقی غربی ایستاده است.

خشونت جنسیتی و افسانه پدرسالار متمدن

وقتی مفسران غربی جوامع عربی و مسلمان را به عنوان به طور منحصر به فرد «وحشی» یا «عقب مانده» در مسائل حقوق بشر چارچوب بندی می‌کنند، به ندرت از جای صداقت تاریخی صحبت می‌کنند. این نه تنها همراه کننده است — 投影 است. همان جوامعی که امروز برتری اخلاقی ادعا می‌کنند، تا شوکه کننده اخیر، هنجارهای عمیقاً خشونت آمیز و پدرسالارانه را در نظام‌های حقوقی خود حفظ می‌کردند — اغلب با نیروی دولت پشت سرشان.

برای مثال، مسئله **خشونت خانگی و تجاوز زناشویی** را در نظر بگیرید. در جوامع عربی و مسلمان، در حالی که همیشه ساختارهای پدرسالارانه وجود داشته — مانند همه فرهنگ‌ها — ایده اینکه مرد حق نامحدود برای کتک زدن یا تجاوز جنسی به همسرش دارد، از **نظر اجتماعی غیرقابل قبول** بود، حتی اگر همیشه جرم‌انگاری نشده باشد. وقتی مردی این مرزها را عبور می‌کرد — همسرش را کتک می‌زد، به فرزندانش آسیب می‌رساند، یا خشونت آمیز رفتار می‌کرد — رفتارش اغلب با **مداخله جامعه** روبرو می‌شد. بزرگترها، اعضای خانواده یا همسالان او را مواجه می‌کردند، و اگر ادامه می‌داد، همسر و فرزندانش می‌توانستند بدون شرم اجتماعی به **خانواده گسترده، دوستان یا همسایگان** پناه ببرند.

فهمیده شده بود: برخی رفتارها به سادگی مرد را **نامناسب برای سرپرستی خانوار** می‌کرد، صرف نظر از اینکه دولت مداخله کند یا نه.

حالا این را با **اروپا و آمریکای شمالی** در اوایل و اواسط قرن بیستم مقایسه کنید. در کشورهایی مانند بریتانیا، فرانسه و ایالات متحده، قانون «**حقوق زناشویی**» شوهر را به رسمیت می‌شناخت — اصطلاحی محترمانه برای **تجاوز زناشویی**، که تا **اواخر قرن بیستم** یا حتی **اوایل قرن بیست و یکم** در بسیاری از کشورهای غربی به عنوان جرم به رسمیت شناخته نشد. در بریتانیا، **تجاوز زناشویی تا سال ۱۹۹۱ قانونی بود**. در بخش‌هایی از آمریکا تا **دهه ۱۹۹۰ یا بعد قانونی بود**. این قوانین نه تنها سوءاستفاده را اجازه می‌دادند — آن را کدگذاری می‌کردند.

تنبیه بدنی همسران و فرزندان نه تنها تحمل می‌شد — **علناً تشویق می‌شد**. به مردان اختیار قانونی بر خانواده‌هایشان داده می‌شد، و تنبیه از طریق خشونت به عنوان تمرین خصوصی، حتی مسئولانه، آن قدرت در نظر گرفته می‌شد. مردی می‌توانست همسرش را به دلیل «پاسخ دادن» کتک بزند، استقلال او را انکار کند، و او را به طور قانونی از جهان خارج ایزوله کند. اگر زنی از شوهر خشونت آمیز خود فرار می‌کرد، خطر از دست دادن فرزندانش، اموال و جایگاه اجتماعی‌اش را داشت. این تاریخ باستان نیست. این قوانین در **طول و پس از جنگ جهانی دوم** بودند، در همان کشورهایی که همجنس‌گرایی را جرم‌انگاری می‌کردند، جنوب جهانی را استعمار می‌کردند، و به جهان می‌گفتند که **استاندارداران تمدن هستند**.

پس وقتی منتقدان مدرن در غرب حقوق LGBTQ+ یا حقوق زنان را به عنوان اثبات برتری اخلاقی غرب بر جوامع عربی یا مسلمان نگه می‌دارند، ریاکاری خیره کننده است. نه تنها چنین حقوقی **توسعه اخیر و سخت‌جنگیده در خود غرب هستند**، بلکه چارچوب بندی **سیستم‌های موجود، ریشه دار فرهنگی پاسخگویی** را که نسل‌ها در جوامع غیرغربی وجود داشته‌اند، پاک می‌کند. پاک کردن این زمینه تصادفی نیست. به قدرت‌های غربی اجازه می‌دهد توهم رهبری تمدنی را حفظ کنند در

حالی که هم تاریخ خودشان و هم آسیب‌هایی که به جوامع استعمار شده وارد کرده‌اند را نادیده می‌گیرند — اغلب ساختارهای اجتماعی را که زمانی حفاظت ارائه می‌دادند، نابود یا جابه‌جا می‌کنند.

پینک‌واشینگ به عنوان سیاست دولتی

کمپین «برند اسرائیل» اسرائیل، که در سال ۲۰۰۵ توسط وزارت خارجه راه‌اندازی شد، تل‌آویو را به طور صریح به عنوان پناهگاه دوستدار همجنس‌گرایان تبلیغ کرد. این تلاش غرور ارگانیک نبود؛ تبلیغات دولتی بود. در حالی که پرچم‌های رنگین‌کمانی را در خارج نشان می‌داد، اسرائیل بودجه خدمات محلی LGBTQ+ را قطع کرد و به سرکوب فلسطینی‌ها تحت اشغال ادامه داد. گروه‌های کوئیر اسرائیلی مانند لباسشویی سیاه (Kvisa Shchora) علیه این تصاحب اعتراض کردند و از اجازه دادن به استفاده از هویت‌هایشان برای پاکسازی آپارتاید خودداری کردند. همانطور که فعالان لباسشویی سیاه گفتند:

«نمی‌توانید پراید را روی زمین اشغالی جشن بگیرید. آزادی ما نمی‌تواند به قیمت سرکوب مردم دیگر بیاید.»

به همین ترتیب، سازمان‌های کوئیر فلسطینی مانند القوس و کوئیرهای فلسطینی برای BDS (PQBDS) مدت‌هاست پینک‌واشینگ را رد کرده‌اند. PQBDS اظهار داشت:

«مبارزه ما برای گنجاندن در یک دولت نژادپرست نیست، بلکه برای برجیدن آن دولت است.»

این صداها به ندرت در گفتمان اصلی غربی شنیده می‌شوند، که ترجیح می‌دهد کوئیر بودن را به عنوان توجیهی برای نظامی‌گری توکنیزه کند، به جای تقویت افرادی که در تقاطع آن زندگی می‌کنند.

پس وقتی صداها غربی جوامع عربی و مسلمان را برای رفتارشان با افراد LGBTQ+ مسخره یا محکوم می‌کنند، به ندرت در همبستگی با افراد کوئیر روی زمین است. بیشتر اوقات، به عنوان کلیشه اسلام‌هراسانه عمل می‌کند — راهی برای به تصویر کشیدن مسلمانان به عنوان غیرقابل اصلاح intolerant و نامستحق خودمختاری. این تاکتیک استعماری قدیمی است که در زبان پیشرو لباس پوشیده شده.

آزادی کوئیر بدون عدالت برای فلسطین ناقص است

وقتی به افراد کوئیر گفته می‌شود که همبستگی با فلسطین یعنی ایستادن در کنار همجنس‌گراستیزی، باید استراتژی را بشناسیم: درباره حفاظت از زندگی‌های کوئیر نیست. درباره حفاظت از قدرت دولتی است.

ادعا اینکه آزادی LGBTQ+ متعلق به غرب است نه تنها نادرست است — خطرناک است. همانطور که تاریخ نشان می‌دهد:

- همجنس‌گرایی در جوامع عربی یا اسلامی جرم‌انگاری نشد تا وقتی قدرت‌های استعماری اروپایی قوانین خود را تحمیل کردند.
- خشونت خانگی و تجاوز زناشویی در غرب تا دوران مدرن قانونی حفاظت شده بودند.
- امروز، فلسطینی‌های کوئیر توسط اسرائیل از پناهندگی محروم می‌شوند، حتی در حالی که خود را به عنوان اتوپیای کوئیر تبلیغ می‌کند.

سیستم‌هایی که افراد ترنس را در آمریکا نظارت می‌کنند، پناهجویان کوئیر را در بریتانیا اخراج می‌کنند، و بیمارستان‌ها را در غزه بمباران می‌کنند، به هم متصل هستند. آزادی کوئیر نمی‌تواند از مبارزه ضداستعماری جدا شود. خیریه نیست؛ استراتژی برای بقای جمعی است.

«آزادی ما به هم گره خورده است»، همانطور که سازمان‌دهندگان کوئیر مدت‌هاست گفته‌اند. نه به عنوان استعاره، بلکه به عنوان واقعیت مادی.

ایستادن با فلسطین تناقض هویت کوئیر نیست. تحقق آن است. کوئیر بودن و ضداستعماری، کوئیر و ضدآپارتاید، کوئیر و طرفدار فلسطین، ریاکاری نیست. انسجام است.

همبستگی واقعی از ما نمی‌خواهد که انکار کنیم چه کسی هستیم. از ما می‌خواهد که اسکرپیت‌های نوشته‌شده توسط قدرتمندان را رد کنیم — کسانی که هویت‌های ما را به ابزارهای تقسیم تبدیل می‌کنند. از ما می‌خواهد به فلسطینی‌های کوئیر گوش دهیم، حق وجودشان در تمام پیچیدگی‌شان را حمایت کنیم، و کنارشان برای جهانی بجنگیم که هیچ‌کس جابه‌جا، غیرانسانی یا محروم از کرامت نشود.

افراد کوئیر به امپراتوری‌هایی که دیروز آنها را جرم‌انگاری کردند و امروز توکنیزه می‌کنند، وفاداری مدیون نیستند. نیازی به انتخاب بین هویت‌ها و اصولمان نداریم. ما ابزار قدرت نیستیم. ما انسان هستیم. و آزاد خواهیم شد — با هم.

منابع

- عفو بین‌الملل. (۲۰۲۲). آپارتاید اسرائیل علیه فلسطینی‌ها: سیستم بی‌رحمانه سلطه و جنایت علیه بشریت.
- القوس برای تنوع جنسی و جنسیتی در جامعه فلسطینی. کار ما.
- بوسول، ج. (۱۹۸۰). مسیحیت، تحمل اجتماعی، و همجنس‌گرایی. انتشارات دانشگاه شیکاگو.
- الروایح، خ. (۲۰۰۵). پیش از همجنس‌گرایی در جهان عرب-اسلامی، ۱۵۰۰-۱۸۰۰. انتشارات دانشگاه شیکاگو.
- دیده‌بان حقوق بشر. (۲۰۲۱). آستانه عبور شده: مقامات اسرائیلی و جنایات آپارتاید و آزار.
- مسعد، ج. (۲۰۰۲). “بازجهت‌دهی میل: بین‌المللی همجنس‌گرایان و جهان عرب.” فرهنگ عمومی، ۱۴(۲)، ۳۶۱-۳۸۵.
- کوئیرهای فلسطینی برای (۲۰۱۰). BDS. بیانیه درباره پینک‌واشینگ.
- پینک‌واشینگ اسرائیل. پینک‌واشینگ چیست؟
- رحمان، م. (۲۰۱۴). همجنس‌گرایی‌ها، فرهنگ‌های مسلمان و مدرنیته. پالگربو مک‌میلان.
- عفو سلطنتی برای آلن تورینگ. (۲۰۱۳). اطلاعیه مطبوعاتی دولت بریتانیا.
- تورینگ، د. (۲۰۱۵). پروف: آلن تورینگ رمزگشایی شده. انتشارات تاریخ.
- برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP). (۲۰۲۱). LGBTI بودن در منطقه عربی.
- ویتاکر، ب. (۲۰۰۶). عشق ناگفتنی: زندگی همجنس‌گرایان و لژیون‌ها در خاورمیانه. انتشارات دانشگاه کالیفرنیا.